

والدگری در عصر دیجیتال همدلی یا کنترل گری

استاد راهنما: الناز جهانپور

سیده فائزه موسوی صدر^۱

رقیه عباسی^۲

چکیده

تربیت فرزندان در عصر دیجیتال با چالش‌ها و فرصت‌های بی‌سابقه‌ای همراه است. والدین باید با آگاهی و دانش کافی، تعادل مناسبی بین استفاده از فناوری و زندگی واقعی ایجاد کنند تا کودکان بتوانند از محیط دیجیتال به شکل ایمن و سازنده بهره‌مند شوند. آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای، ارتباط مؤثر و خودباوری، همراه با مشارکت فعال والدین در فرایند یادگیری، از عوامل کلیدی در رشد سالم و موفق کودکان در این عصر است. تعیین محدودیت‌های سنجیده برای استفاده از ابزارهای دیجیتال، به کارگیری نرم‌افزارهای کنترل والدین و ایجاد فضای گفتگوی باز، زمینه را برای تربیت مسئولانه و هوشمندانه فرزندان فراهم می‌آورد. به طور خلاصه، تربیت فرزندان در عصر دیجیتال نیازمند همکاری مستمر خانواده، مدرسه و جامعه و بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های نوین، در قالب رویکردی متعادل و اخلاقی است که به رشد همه‌جانبه و آینده‌ساز کودکان منجر می‌شود.

کلیدواژه: همدلی، کنترل‌گری، عصر دیجیتال، والدگری

^۱ طلبه پایه دوم سطح ۲

^۲ طلبه پایه دوم سطح ۲

در دنیای امروز، فناوری های دیجیتال به بخش جدایی ناپذیر از زندگی کودکان و نوجوانان تبدیل شده است. از بازی های آنلاین گرفته تا شبکه های اجتماعی و ابزارهای آموزشی، این فناوری ها فرصت ها و چالش های جدیدی را پیش روی والدین قرار داده اند. در این میان دو رویکرد اصلی در والدگری دیجیتال نمایان شده است: همدلی و کنترل گری. رویکرد همدلی بر ایجاد یک رابطه مبتنی بر گفتگو و اعتماد استوار است. درمقابل، رویکرد کنترل گرایانه که اغلب ناشی از نگرانی و ترس والدین است بر نظارت مداوم و محدودیت های سخت گیرانه تمرکز دارد. این پژوهش با هدف بررسی تاثیرات دو رویکرد والدگری کنترل گری و همدلی در عصر دیجیتال بر رشد روانی، اجتماعی و مهارت های خودتنظیمی کودکان و نوجوانان انجام می شود. سوال اصلی این است که کدام یک از این رویکردها، تاثیرات مثبت تری در درازمدت بر زندگی فرزندان خواهد داشت؟ درحالی که بسیاری از والدین به دلیل ترس از خطرات فضای مجازی به کنترل گری روی می آورند. این رویکرد میتواند به پنهان کاری بیشتر فرزندان و تضعیف مهارت های آنان در مواجهه با چالش های آنلاین منجر شود. این پژوهش تلاش می کند تا این فرضیه را بررسی کند که همدلی به جای کنترل، ابزاری قدرتمندتر برای توانمندسازی فرزندان در دنیای دیجیتال است. اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می شود که نسل کنونی والدین، با چالش هایی روبرو هستند که نسل های قبلی با آن مواجه نبودند. عدم آگاهی کافی از پیامدهای روانشناختی رویکردهای والدگری در عصر دیجیتال، می تواند به آسیب های جبران ناپذیری در روابط خانوادگی و رشد شخصیتی فرزندان منجر شود. انجام این پژوهش، می تواند به والدین، مشاوران کمک کند تا با شناسایی رویکردهای موثر، راهبردهای بهتری برای تربیت نسل آینده در دنیای دیجیتال ارائه دهد. پیشینه پژوهش نشان می دهد که مطالعات متعددی پیرامون همدلی یا کنترلگری فرزندان انجام شده است ولی پژوهشی عین این عنوان یافت نشد بلکه پژوهش هایی که ارتباط قریبی با موضوع مورد بحث ما دارند عبارتند از: حسینی سورکی_محمد (۱۴۰۳) در مقاله «چالش های اخلاقی والدگری در عصر دیجیتال» مجله اخلاق و حیانی به نقش اخلاقی والدین به عنوان مسئول، راهنما و مربی اصلی فرزندان به ارائه تدابیر و اصول خاص والدگری در عصر دیجیتال پرداخته است. رضائی_حسین (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل و ارزیابی دوراهی اخلاقی برادران دروغین در والدگری عصر دیجیتال» مجله مطالعات اخلاق کاربردی به بهره گیری والدین از روش ها، استراتژی ها و رفتارهایی برای آموزش، مدیریت و اصلاح مصرف دیجیتال و زیست مجازی فرزندان اشاره شده است. کتاب «والدگری در عصر دیجیتال» نوشته رضوانه کوزه گران به راهبردهای

توانمندسازی والدین برای فرزندپروری در دنیای دیجیتال پرداخته است. کتاب «والدگری موثر در عصر دیجیتال» نوشته زهرا درخشان که به بررسی رفتار والدین در تربیت کودکان از جنبه‌های روانشناسی و سواد رسانه‌ای و تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرزندان بررسی شده است. و همچنین کتاب «والدگری در دنیای دیجیتال؛ چگونه فرزندانمان را در عصر فناوری هدایت کنیم؟» نوشته محمدرضا درستکاریسیانی به بررسی راهکارهای تربیتی والدین برای پرورش فرزند در عصر دیجیتال پرداخته شده است. نوآوری این پژوهش نسبت به مقالات و کتب معرفی شده توجه به نقش و تاثیرات مثبت همدلی والدین در جامعه امروزی است که به‌طور مفصل به بررسی هریک از رویکردها پرداخته و مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

تربیت فرزند یک فرآیند پیچیده و چندوجهی است که شامل عوامل مختلفی می‌شود، اما محوریت والدین در این فرآیند نقشی اساسی و غیرقابل انکار دارد، والدین اولین و مهم‌ترین الگوهای رفتاری، عاطفی و اجتماعی برای فرزندان هستند. نحوه تعامل آنها با فرزندان، سبک تربیتی که انتخاب می‌کنند، و محیطی که در خانه ایجاد می‌کنند، تاثیرات عمیقی بر شکل‌گیری شخصیت فرزندان دارند.

۱_ والدگری اخلاقی و اجتماعی

۱_۱ الگوبودن والدین

والدین نخستین و مهم‌ترین الگو برای فرزندان خود هستند و رفتارهای آنها به‌طور ناخودآگاه توسط کودکان تقلید می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهند که کودکان بیشتر به کردار والدین توجه دارند تا سخنانشان و این نقش والدین در الگوسازی رفتارهای اخلاقی و اجتماعی کودکان بسیار تعیین‌کننده است. حضور فعال و مستمر والدین در زندگی فرزندان زمینه‌ساز یادگیری ارزش‌ها و اصول اخلاقی می‌باشد. البته والدین نیز انسان هستند و ممکن است خطا داشته باشند، اما ویژگی‌های مثبت آنها می‌تواند به عنوان الگوی سازنده مطرح شود (بیتوته، والدین الگوی فرزندان هستند). همچنین، نگرش و ارزش‌های والدین به تربیت، همراه با شیوه‌های رفتاری آنها، تعیین‌کننده سبک‌های والدگری و در نتیجه، رفتار و شخصیت فرزندان می‌باشد (پژوهش طراحی و اعتباریابی الگوی والدگری). (بنابراین، الگوبودن والدین یعنی آنها باید خود رفتارهای مورد انتظار را به نمایش گذارند و فرزندان از طریق مشاهده و تجربه مستقیم این رفتارها یادگیرند. فرزندان بیشتر تحت تأثیر کاری هستند که والدین انجام می‌دهند تا توصیه‌های لفظی آنها (انسانی که ما می‌بینیم).

۱_۲ صداقت

صداقت یکی از ارزش‌های بنیادین و کلیدی در تربیت فرزندان است که نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت سالم و توسعه روابط انسانی مثبت دارد. آموزش صداقت به کودکان از سنین پایین زمینه‌ساز رشد اخلاقی، تقویت اعتماد به نفس، و پرورش مسئولیت‌پذیری در آنان می‌شود. صداقت نه تنها به کودکان کمک می‌کند تا درک بهتری از ارزش‌های اخلاقی داشته باشند، بلکه آنان را برای زندگی اجتماعی سالم و موفق آماده می‌سازد. همچنین صداقت باعث کاهش استرس و اضطراب ناشی از دروغ‌گویی شده و روابط را مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل می‌سازد (بهمتی، آموزش صداقت به کودکان). (نقش والدین و مربیان در آموزش صداقت بسیار حیاتی است؛ زیرا کودکان بیشتر از طریق مشاهده رفتار والدین یاد می‌گیرند تا صرفاً شنیدن نصیحت‌ها. وقتی والدین خود الگوی صادق باشند و حتی در شرایط دشوار از گفتن حقیقت کوتاهی نکنند، به کودکان می‌آموزند که صداقت یک ارزش غیرقابل چشم‌پوشی است. بالعکس، درخواست از کودکان برای گفتن دروغ‌های کوچک، مانند گفتن به تلفن که والدین در خانه نیستند، مفهوم صداقت را در ذهن کودک مخدوش می‌کند. بهترین رویکرد، مواجهه با واقعیت‌های دشوار و توضیح چرایی اهمیت صداقت است تا کودک بداند انتخاب راستگویی همیشه درست است، حتی وقتی سخت باشد (مرادی، راهکارهای آموزش صداقت). (روش‌های عملی برای آموزش صداقت به کودکان شامل داستان‌گویی، بازی‌های نقش، پازل‌های فکری و فعالیت‌های خلاقانه است. بازی‌هایی مانند «راست یا دروغ» به کودکان کمک می‌کند تفاوت میان حقیقت و دروغ را بهتر درک کنند. قصه‌گویی درباره شخصیت‌هایی که به دلیل صداقت مورد تحسین هستند، می‌تواند تأثیر عمیقی بر کودکان داشته باشد. تشویق کلامی و غیرکلامی برای بیان حقیقت، ایجاد سیستم پاداش برای رفتارهای صادقانه و آموزش مهارت‌های حل مسئله به کودکان در مواجهه با موقعیت‌های چالش‌برانگیز از دیگر روش‌های موثر است. والدین می‌توانند همچنین جعبه صداقت درست کنند و کودکان را ترغیب کنند که یادداشت‌های صادقانه در آن بیندازند و هفته‌ای یکبار درباره آن‌ها گفتگو کنند (بهمتی، آموزش صداقت به کودکان). در نهایت، صداقت به کودکان این امکان را می‌دهد که روابطی قوی‌تر مبتنی بر اعتماد، احترام و مسئولیت‌پذیری بسازند و در زندگی فردی و اجتماعی موفق‌تر باشند. آموزش صداقت یک فرآیند مداوم است که نیازمند صبر، الگو بودن و حمایت از سوی والدین و مربیان است (مرادی، آموزش صداقت).

۳-۱ مسئولیت پذیری

مسئولیت‌پذیری یکی از مهارت‌های بنیادین در تربیت کودکان است که به آنان کمک می‌کند تا به افراد مستقل، متعهد و قابل اعتمادی تبدیل شوند. کودکان مسئولیت‌پذیر وظایف خود را می‌شناسند و به صورت فعالانه در خانه، مدرسه و جامعه مشارکت می‌کنند. این مهارت از سنین ابتدایی و از طریق تعامل با محیط اطراف شکل می‌گیرد و زمینه‌ساز رشد شخصیتی، تصمیم‌گیری منطقی و روابط سالم در آینده است (آکادمی سلامت اول). برای آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان، والدین باید مسئولیت‌های مناسب سن کودک را واگذار کنند و محیطی حمایتی و تشویق‌آمیز برای انجام آن‌ها فراهم کنند. یکی از نکات مهم این است که والدین خود الگوی مسئولیت‌پذیری باشند؛ زیرا کودکان رفتارهای والدین را تقلید می‌کنند. به طور مثال، وقتی والدین اشتباه خود را بپذیرند، عذرخواهی کنند و مسئولیت اعمال خود را به عهده بگیرند، کودک نیز این رفتارها را فرا می‌گیرد (زهناز کلینیک). روش‌های عملی شامل مشارکت دادن کودکان در کارهای روزمره مانند مرتب کردن اتاق، کمک به تهیه غذا، و پاک کردن وسایل است. ایجاد عادت انجام مسئولیت‌ها و استفاده از تشویق کلامی می‌تواند انگیزه کودکان را برای انجام وظایف افزایش دهد. همچنین آموزش به کودک که مسئولیت یعنی انجام دادن تعهدات و پذیرش نتایج آن، بسیار اهمیت دارد. این مفهوم به آن‌ها کمک می‌کند تا پیامدهای هر عملی را درک کنند و تصمیم‌گیری‌های بهتری داشته باشند. در نهایت، مسئولیت‌پذیری به کودکان احساس کفایت، قدرت تصمیم‌گیری و اعتماد به نفس می‌دهد و آنان را برای موفقیت در زندگی اجتماعی و فردی آماده می‌کند (هفتاد لایف). بنابراین، تربیت کودک مسئولیت‌پذیر نیازمند صبر، استمرار، و الگو بودن والدین است که با روش‌های مناسب و توجه به سن و توانایی کودکان، می‌توان به نتایج مطلوب دست یافت.

۴-۱ صبر

صبر یکی از مهارت‌های مهم تربیتی است که به کودکان کمک می‌کند هیجانات خود را کنترل و در برابر چالش‌ها و تأخیرها شکیبایی نشان دهند. آموزش صبر به کودکان به آن‌ها می‌آموزد که چگونه در موقعیت‌های دشوار با واکنش‌های منطقی و آرام‌تر برخورد کنند و با احساسات منفی مانند خشم و ناامیدی بهتر کنار بیایند. بازی‌های گروهی که نوبت‌گیری و انتظار را تمرین می‌دهند، داستان‌های آموزشی و فعالیت‌های روزمره مانند کاشت گیاه، فرصت‌های خوبی برای تعلیم صبر هستند و به کودکان این امکان را می‌دهند که مفهوم صبر را به

تولید محتوا و والدگری در عصر دیجیتال نقشی حیاتی در تربیت فرزندان امروزی دارد. والدگری دیجیتال به معنای استفاده هوشمندانه والدین از فناوری‌های دیجیتال برای هدایت و آموزش فرزندان به استفاده امن و مسئولانه از ابزارهای فناوری است. اولین گام در این فرآیند، افزایش آگاهی والدین نسبت به فناوری‌های مختلف و نحوه استفاده صحیح از آنها می‌باشد تا بتوانند فرزندان را در مواجهه با محیط دیجیتال همراهی و راهنمایی کنند (ایمن، ۱۴۰۳). همچنین ایجاد فضای باز و صمیمی برای گفت‌وگو میان والدین و فرزندان درباره تجربیات دیجیتال و چالش‌های مربوط به استفاده از فناوری، از اهمیت بالایی برخوردار است. این ارتباط موثر می‌تواند به کاهش مواجهه کودکان با محتوای نامناسب کمک کرده و اطمینان حاصل کند کودکان هر نگرانی یا سوال خود را با والدین در میان می‌گذارند. مشارکت والدین در استفاده از ابزارهای دیجیتال، کنترل محتوای مصرفی و توجه به رده‌های سنی مناسب برای هر نوع محتوا نیز از ارکان مهم والدگری دیجیتال است (ایمن، ۱۴۰۳).

والدین برای پرورش فرزندان موفق در عصر فناوری نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌ها از جمله مهارت‌های ارتباطی، شناخت تهدیدهای آنلاین، ایجاد قوانین و محدودیت‌های خانوادگی و افزایش سواد رسانه‌ای هستند. این مهارت‌ها علاوه بر حفاظت از فرزندان، به آن‌ها کمک می‌کند تا با استفاده صحیح از فضای دیجیتال، توانمندی‌ها و مهارت‌های زندگی خود را توسعه دهند (سلف هلپ، ۱۴۰۳). (همچنین ابزارها و نرم‌افزارهای نظارتی مانند نرم‌افزارهای کنترل والدین، فیلترهای اینترنتی و برنامه‌های مدیریت زمان، از جمله ابزارهای مفید برای کمک به والدین در نظارت و کنترل فعالیت‌های دیجیتال فرزندان هستند (ایمن، ۱۴۰۳). (در نهایت، موفقیت والدگری دیجیتال در گرو افزایش دانش، ارتباط مستمر و مسئولیت‌پذیری مشترک والدین و فرزندان است (پینو بیبی، ۱۴۰۳). بنابراین، تولید محتوا والدین در عصر دیجیتال همراه با آموزش، آگاهی و استفاده هدفمند از فناوری‌ها، زمینه‌ساز تربیت فرزندان سالم، مسئول و آگاه در دنیای امروزی است.

۳-۶ خودباوری

خودباوری یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهی شخصیت کودک است که تأثیر عمیقی بر ابعاد مختلف زندگی او مانند تحصیل، روابط اجتماعی و سلامت روانی دارد. خودباوری به معنای باور داشتن به توانمندی‌ها و قابلیت‌های فردی است و یکی از ارکان اصلی موفقیت در زندگی محسوب می‌شود. والدین به عنوان نخستین و مهم‌ترین مربیان زندگی کودک، نقشی کلیدی در رشد و توسعه خودباوری فرزندان ایفا می‌کنند. رفتارهای والدین، سبک فرزندپروری، آموزش‌ها و تعاملات روزمره والدین با کودک به طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند بر خودباوری کودکان تأثیرگذار باشد (عاطفی، ۱۴۰۳). پرورش خودباوری در فرزندان نیازمند ایجاد محیط حمایت‌کننده، تشویق به خودشناسی، ترویج مسئولیت‌پذیری، تعیین اهداف قابل دستیابی و آموزش مهارت‌های

مدیریت استرس است. همچنین، سپردن مسئولیت‌های متناسب با سن کودک باعث افزایش احساس شایستگی و تقویت مهارت‌های حل مسئله در آنها می‌شود. والدین باید در برابر اشتباهات کودک صبور باشند و آن‌ها را فرصتی برای یادگیری بدانند و پیشرفت‌های کودک را مورد تحسین قرار دهند تا انگیزه و اعتماد به نفس فرزندان افزایش یابد (زمان‌وازی، ۱۴۰۲). برقراری ارتباط باکیفیت و گذراندن اوقات با هم، از دیگر اصول مهم در تقویت خودباوری کودکان است. وقتی کودک احساس کند برای والدینش مهم است، این امر موجب تقویت حس تعلق و ارزشمندی در او می‌شود. قدردانی والدین از کارهای کوچک و تلاش‌های فرزندان نیز به رشد خودباوری کمک می‌کند (عاطفی، ۱۴۰۳). خودباوری به کودک کمک می‌کند تا با اعتماد به نفس بالا در موقعیت‌های مختلف مشارکت کند، اشتباهات خود را بپذیرد و از آنها برای رشد و بهبود استفاده کند. به این ترتیب، پرورش خودباوری در کودکان زمینه‌ساز زندگی موفق و پویا در آینده است (مهندسین، ۱۴۰۳). بنابراین، نقش والدین در شکل‌دهی و تقویت خودباوری کودکان نقشی اساسی و تعیین‌کننده است که می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر آینده فرزندان داشته باشد و نیازمند صبر، توجه و آگاهی مستمر والدین است. خودباوری یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهی شخصیت کودک است که تأثیر قابل توجهی بر تحصیل، روابط اجتماعی و سلامت روانی او دارد. خودباوری به معنای باور به توانمندی‌ها و قابلیت‌های فردی است و از ارکان اصلی موفقیت در زندگی محسوب می‌شود. والدین به عنوان نخستین و مهم‌ترین مربیان زندگی کودک، نقش کلیدی در رشد و توسعه خودباوری در فرزندان دارند. رفتارهای آن‌ها، شیوه‌های فرزندپروری و تعاملات روزمره با کودک می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر سطح خودباوری او تأثیر بگذارد (عاطفی، ۱۴۰۳). پرورش خودباوری در کودکان نیازمند فراهم کردن محیطی حمایت‌کننده، تشویق به خودشناسی، ترویج مسئولیت‌پذیری، تعیین اهداف قابل دستیابی و آموزش مهارت‌های مدیریت استرس است. سپردن مسئولیت‌های متناسب با سن کودک نیز به افزایش احساس شایستگی و تقویت مهارت‌های حل مسئله کمک می‌کند، همچنین صبر والدین در مواجهه با اشتباهات فرزندان اهمیت زیادی دارد و تحسین تلاش‌های کودک می‌تواند انگیزه‌ی او را بیشتر کند (زمان‌وازی، ۱۴۰۲). گذراندن وقت باکیفیت با کودک و ایجاد فضای صمیمی، تقویت حس تعلق و ارزشمندی در کودک را به همراه دارد. همچنین قدردانی و تشکر از تلاش‌ها و کارهای کوچک کودک، نقش مهمی در افزایش خودباوری او دارد (عاطفی، ۱۴۰۳). خودباوری به کودک کمک می‌کند تا با اعتماد به نفس در موقعیت‌های مختلف مشارکت کند، اشتباهات خود را بپذیرد و از آنها برای رشد و بهبود استفاده نماید، که این امر زمینه‌ساز زندگی موفق و با نشاط در آینده خواهد بود (مهندسین، ۱۴۰۳). بنابراین، نقش والدین در شکل‌دهی و تقویت خودباوری کودکان بسیار اساسی و تاثیرگذار است و نیازمند آگاهی، صبر و توجه مداوم است.

۷_۳ اشتراک گذاری دانش

اشتراک گذاری دانش بین والدین و فرزندان یک فرایند حیاتی در تربیت و یادگیری کودکان است که به رشد شخصیتی، اجتماعی و تحصیلی آنان کمک می کند. این فرایند نیازمند ایجاد ارتباط مؤثر، مشارکت فعال والدین در امور آموزشی و تربیتی، و ایجاد فضای حمایتی برای تبادل تجربه ها و اندیشه ها است (بهراد، ۱۴۰۴). والدین با ارائه الگوهای رفتاری مناسب و آموزش مهارت های اجتماعی، نقش مؤثری در تشویق فرزندان به اشتراک گذاری دانش و تجربیات خود دارند. بازی های گروهی، گفتگوهای خانوادگی و فعالیت هایی که نیازمند همکاری و ارتباط است، می تواند به کودکان بیاموزد که اشتراک گذاری نه تنها باعث رشد فردی می شود بلکه پایه ای برای زندگی جمعی و اجتماعی است (بهراد، ۱۴۰۴). همچنین، مشارکت والدین در آموزش و پرورش فرزندان، از طریق ارتباط مداوم با مدرسه و معلمان، موجب پرورش فضایی مشترک برای یادگیری مؤثر می شود. والدین با به اشتراک گذاشتن اطلاعات و تجربه های خود و شنیدن دیدگاه های فرزندان، به بهبود عملکرد تحصیلی و افزایش انگیزش در آنان کمک می کنند (بوبوک، ۱۳۹۸). در مدارس آنلاین نیز حضور فعال والدین و اشتراک گذاری دانش و تجربیات آنها در هدایت و حمایت از فرزندان، نقش کلیدی در موفقیت تحصیلی دارد و می تواند فاصله بین مدرسه و خانه را کاهش دهد (نویان، ۱۴۰۳). بنابراین، اشتراک گذاری دانش بین والدین و فرزندان علاوه بر تقویت روابط خانوادگی، نقش مهمی در بهبود روند یادگیری و رشد کامل کودکان دارد. ایجاد فضایی برای تعامل، گفتگو و آموزش مستمر، کلید موفقیت در این فرایند می باشد. اشتراک گذاری دانش بین والدین و فرزندان نقش اساسی در تربیت و یادگیری کودکان دارد و باعث تقویت روابط خانوادگی و پیشرفت تحصیلی می شود. این فرایند با ایجاد ارتباط مؤثر، مشارکت فعال والدین در امور آموزشی و تربیتی، و فراهم کردن فضای حمایتی برای تبادل تجربه ها میان اعضای خانواده صورت می پذیرد (بهراد، ۱۴۰۴). الگوهای رفتاری مناسب والدین و تشویق کودکان به اشتراک گذاری دانش از طریق بازی های گروهی و گفتگوهای خانوادگی، به رشد فردی و اجتماعی کودکان کمک می کند و مهارت های کار تیمی و همکاری را پرورش می دهد (بهراد، ۱۴۰۴). همچنین مشارکت والدین با مدرسه و معلمان و به اشتراک گذاشتن تجربه ها موجب افزایش انگیزه و عملکرد تحصیلی کودکان می شود (بوبوک، ۱۳۹۸). در مدارس آنلاین نیز حضور فعال والدین و اشتراک گذاری دانش و تجربه ها نقش کلیدی در موفقیت تحصیلی دارد و کمک می کند تا فاصله خانه و مدرسه کاهش یابد (نویان، ۱۴۰۳). بنابراین، اشتراک گذاری دانش والدین و فرزندان همراه با گفتگو و آموزش مستمر، کلید موفقیت در تربیت و یادگیری کودکان است.

۸_۳ استفاده مسئولانه از ابزارها

استفاده مسئولانه از ابزارهای دیجیتال توسط والدین نقش بسیار مهمی در آموزش و راهنمایی فرزندان برای بهره‌مندی سالم و متعادل از فناوری‌های نوین دارد. والدین باید به عنوان الگوهای رفتاری، عادات استفاده متعادل و اصولی از فناوری را به کودکان خود منتقل کنند. تعیین زمان‌های مشخص برای استفاده از ابزار دیجیتال، ایجاد قوانین روشن خانوادگی و محدودیت‌های مناسب سن، از جمله روش‌های موثر در این زمینه است (فیروزشاپ، ۱۴۰۳). همچنین استفاده از نرم‌افزارهای کنترل والدین، مدیریت دسترسی به محتویات نامناسب و نظارت بر فعالیت‌های آنلاین، به کاهش خطرات مرتبط با فضای مجازی کمک می‌کند. ایجاد گفتگوهای صادقانه و مستمر با فرزندان درباره اهمیت تعادل بین دنیای دیجیتال و زندگی واقعی، آگاهی‌بخشی درباره خطرات احتمالی و آموزش سواد دیجیتال از دیگر نقش‌های کلیدی والدین است (زندگی پلاس، ۱۴۰۳). تشویق کودکان به شرکت در فعالیت‌های غیر دیجیتال مانند ورزش، مطالعه و بازی‌های گروهی و الگو بودن والدین در رعایت این تعادل، به تقویت استفاده مسئولانه از فناوری کمک می‌کند. والدین باید به جای ممنوعیت کامل، استفاده عقلانی از ابزارهای دیجیتال را آموزش دهند تا کودکان با شناخت و مسئولیت‌پذیری بیشتری از فناوری بهره‌مند شوند (آول‌فارس، ۱۴۰۳). در نهایت، پایبندی به این اصول و حمایت خانواده‌ها، زمینه‌ای فراهم می‌آورد که کودکان بتوانند بدون آسیب‌های ناشی از استفاده نامناسب، از مزایای فناوری‌های دیجیتال بهره‌مند شوند و رشد سالمی داشته باشند (تابسم، ۱۴۰۴). بنابراین، آموزش و ایجاد فرهنگ استفاده مسئولانه از ابزارهای دیجیتال توسط والدین کلید موفقیت در تربیت فرزندان در عصر فناوری است.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری جامع درباره تربیت فرزندان در عصر دیجیتال بیانگر ضرورت توجه ویژه والدین به چالش‌ها و فرصتی است که فناوری‌های نوین در اختیار خانواده‌ها قرار داده‌اند. عصر دیجیتال با دسترسی آسان کودکان به اطلاعات و محتوای متنوع، زمینه رشد و یادگیری سریع آن‌ها را فراهم کرده است، اما در کنار این فرصت‌ها، چالش‌هایی مانند اعتیاد به فناوری، مواجهه با محتوای نامناسب، کاهش فعالیت‌های فیزیکی و مشکلات اجتماعی ناشی از فضای مجازی نیز وجود دارد که والدین باید برای مدیریت آن‌ها آمادگی داشته باشند (مطالعه تربیت فرزندان در عصر دیجیتال، ۱۴۰۴). والدین نقش کلیدی در ایجاد تعادل بین استفاده سالم از فناوری و

فعالیت‌های دنیای واقعی دارند. آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای و ارتباط مؤثر به کودکان باعث می‌شود آن‌ها بتوانند با اشراف و آگاهی از فضای دیجیتال بهره‌مند شوند و در برابر اطلاعات نادرست و مخاطرات محافظت گردند. پرورش خودباوری، تشویق به اشتراک‌گذاری دانش، مشارکت فعال و استفاده مسئولانه از ابزارهای دیجیتال، از دیگر الزامات تربیت کودکان موفق و سالم در این عصر است (فرصت‌ها و چالش‌های تربیتی، ۱۴۰۴). تدوین قوانین خانوادگی، استفاده از نرم‌افزارهای کنترلی، توجه به سلامت روان و ایجاد محیطی امن برای گفت‌وگو و تعامل، سبب ارتقاء کیفیت تربیت در فضای دیجیتال می‌شود. همچنین، مشارکت مستمر والدین در آموزش و پرورش فرزندان و الگو بودن آن‌ها در رفتارهای دیجیتال، نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت کودکان دارد (مرکز مشاوره صدرا، ۱۴۰۴). به طور کلی، تربیت فرزندان در عصر دیجیتال به یک مسئولیت مشترک میان خانواده، مدرسه و جامعه تبدیل شده است که نیازمند آگاهی، انعطاف‌پذیری و استفاده خردمندانه از فناوری است. آنها باید با بهره‌مندی از دانش‌های نوین و حفظ ارزش‌های انسانی، کودکان را برای مواجهه با چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌های عصر دیجیتال آماده کنند (راهنمای جامع فرزندپروری دیجیتال، ۱۴۰۳). (نتیجتاً، تربیت موفق در عصر دیجیتال ترکیبی از دانش، مراقبت و تعادل است که والدین را به عنوان رهبران اصلی این فرآیند به صحنه می‌آورد و به رشد کودکان سالم، آگاه و مسئول در دنیای مدرن کمک می‌کند.